

تاریخچه زندگی و خدمات برجسته حضرت آیه الله بروجردی

در بحث ذیل؛ بیش از آنکه
بخواهیم بصرف بیان تاریخ
پردازیم، ابتدا خیلی فشرده تاریخچه
زندگی حضرت آیه الله بروجردی
را نگاه داشته؛ و سپس سعی میکنیم،
حساسترین خدمات و آثار و تعولانی
را که معظم له بوجود آورده اند
مورد بررسی قرار دهیم.



دو دمان آیه الله بروجردی

آیه الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی، فرزند مرحوم حاج
آقاعلی بروجردی وباسی واسطه بحضرت امام حسن مجتبی سلام الله علیه
می پیوندد، خاندان جلیل طباطبائی مخصوصاً در سه قرن اخیر علماء

ودانشمندان بزرگی را در خود پرورش داده است ، چه دودمان محترم حضرت آیه الله فقید ، علاوه از آنکه نواده دختری علامه مجلسی (ره) میباشد ، در بین خود آنان رجال علمی برجسته می هم چون « سید محمد بروجردی » (از علماء بزرگ قرن یازدهم و جد پنجم حضرت آیه الله ...) و علامه بحر العلوم (۱۲۱۲ - عم چهارم ایشان) و حاج میرزا محمود بروجردی مؤلف کتاب « مواهب السنیة » (عموی دوم ایشان) و دیگران وجود داشته اند ، و بالاخره این بیت اصیل و شریف ، خاندان علم و فضیلت بوده است .

کتابخانه مدرسۀ فیضیه قم

سی سال تحصیل

حضرت آیه الله بروجردی در صفر ۱۲۹۲ قمری در بروجرد در چنین خاندان جلیلی متولد گردید سال ۱۲۹۹ آغاز تحصیلات ایشان بود ، که ایندوره تحصیلی تاهجده سالگی ادامه پیدا کرد .

در این مدت مقدمات : صرف و نحو ، معانی ، بیان ، منطق و ... و سطح فقه و اصول را در محضر پدر بزرگوار خود و سایر اساتید بروجرد ، فرا گرفت ، و سپس بدستور پدر عازم اصفهان گردید

سال ۱۳۱۰ باصفهان عزیزمت ، و در مدرسۀ صدر اصفهان سکنی گزید ، از محضر اساتید ، در رشته های مختلف فقه و اصول و فلسفه و ریاضی و ... استفاده می کرد ، که در ۱۳۱۴ پدر بزرگوار ، از بروجرد احضار شان نمود . پس از برگزاری جریان ازدواج بار دیگر باصفهان مراجعت ، و تا ۱۳۱۸ در آن شهر بتدریس و تحصیل اشتغال داشتند .

در مجموع ۹ سال اقامت در اصفهان ، از محضر بزرگانی همچون: میرزا ابوالمعالی کلباسی ، سید محمد تقی مدرس ؛ سید محمد باقر درچه می جهانگیر خان قشقایی ، حکیم معروف ، وملا محمد کاشانی ، از علوم مختلف استفاده کردند ، و خود نیز شخصاً بتدریس فقه و اصول و غیره اشتغال داشتند ، و حوزه در شان زبانزدهم بود ، بطوریکه بیش از صد نفر در حوزه قوانین شان اجتماع می کردند .

در این ایام ، پایه های محکم علمی ایشان ریخته شد ، و نبوغ و شخصیت علمی و تحولانی که در فنون مختلف بوجود آوردند ، در این ایام پرنشاط و حساس ؛ پی ریزی گردید .
از همین دوره ، قهرمان داستان ما بعنوان يك شخصیت برجسته علمی و فکری در دلها نفوذ کرد .

در سال ۱۳۱۹ بهار دیگر پدرش وی را خواست و بنجف اعزام فرمود ، اکنون ۲۷ بهار بیشتر از عمر وی نگذشته است ، ولی همچون مرد سالخورده ای ، متین ، با شخصیت ، متفکر ، ورزیده و دانشمند جلوه می کند .

حوزه درس آیه الله مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی باتمام شکوه و عظمتش که بیش از ۱۲۰۰ نفر فقیه و مجتهد و فاضل مبرز را جمع کرده است ، و باها کمیت و تسلط مطلق جریان درس برگزار میشود ، کم کم با ورود محصل تازه وارد ، رنگ دیگری بخود می گیرد ، استاد که در یکی از مجالس خصوصی بنیوغ و طرز فکر فقهی و رجالی شاگرد خود پی برده است . اجازه میدهد که این شاگرد نو خاسته در حوزه درسش

کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

۱۵

آیه الله بروجردی..

هر چه می خواهد بگوید؛ و با کمال احترام نظرش را بررسی می کند. از این پس «آقا حسین طباطبائی» بین فضلاء نجف انگشت نما می شود؛ از طرفی هم از محضر درس آیه الله شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه) بتکمیل فقه و رجال خود می پرازد؛ و علاوه از این، خود حوزه درسی تشکیل میدهد که نجف، وی را بعنوان یکی از اساتید مبرز سطح می پذیرد، حوزه فصولش بیش از دوست شاگرد دارد، که برخی از شاگردان همین حوزه، شخصیت عظیمی پیدا می کنند، مرحوم آیه الله آقا سید محمد تقی خونساری از آنان بود.

در حال حیات استاد، هاشیه کفایة الاصول را که نشان شخصیت بارز علمی ایشان است تألیف فرمودند.

سی و پنج سال در بروجرد

وسر انجام در سال ۱۳۲۸ پس از دریافت اجازه اجتهاد از دو استاد بزرگوار خود، بروجرد مراجعت می کند.

شش ماه بعد پدر با شخصیت خود را از دست میدهد و چیزی نمی گذرد که آیه الله مرحوم آخوند خراسانی هم در سال ۱۳۳۰ بدرود حیات می گوید.

مدت سی و پنج سال دوران زعامت و پیشوائی معظم له در بروجرد است، و در این ایام علاوه از اشتغال بتدریس و حل و فصل امور مذهبی عمده تحقیقات و مطالعات خود را انجام میدهد، تألیفاتیکه از ایشان باقی مانده است اغلب یادگار همین دوران است، اولین هاشیه ای که

بر عروۃ الوثقی منتشر می شود؛ حاشیهٔ ایشان است که همان اوایل ورود بیروجرد منتشر می گردد، انتشار این حاشیه، افکار محافل علمی را بایشان متوجه می کند؛ دامنهٔ مقلدین ایشان باصفهان و خراسان و تمام نواحی غرب می کشد.

در سال ۱۳۴۴ زیارت بیت الله مشرف، در بازگشت مدت هشت ماه در نجف میمانند، و پس از ورود بایران سفری بخراسان نموده و ۱۳ ماه ادامه پیدا می کند، پس از آن باز مراجعت بیروجرد می نمایند.
رسالهٔ فارسی ایشان پس از سفر حج منتشر می گردد.

از نکات حساس زندگی ایشان در بیروجرد؛ علاوه از حوزه های گرم تدریس و تحقیقات دامنه دار و پیشوائی روحانی و رسیدگی بامور مذهبی بیروجرد و نواحی غرب و غیره، مسئلهٔ منبر است.

ایشان همه ساله، ماه رمضان را برای ارشاد و هدایت خلق منبر تشریف برده و بایان رسا و جذاب مخصوص بخود؛ بنشر حقائق و ارشاد می پرداختند، وبالخصوص منبرهای يك ماه رمضان ایشان که دربارهٔ اثبات وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه از روی منابع مختلف عامه بود، معروف است.

ورود بحوزه علمیه قم

بالاخره در سال ۱۳۶۳ برای معالجه سفری بتهران مینمایند، در مدت دو ماه اقامت در تهران، طبقات مختلف وبالخصوص علما و فضلاء حوزهٔ علمیه قم که صیت فضل و کمالات ایشان را شنیده، و با ارزش علمی این ذخیرهٔ گرانمای شیعه، پی برده بودند، با ایشان ملاقات میکنند

اصرار و تأکیدهای زیاد و دعوت‌های فراوانی که از مراجع بزرگ قم و از مدرسین و فضلاء بعمل می‌آید، ایشانرا وادار میکند، که در میان استقبال پرشوریکه شاید تا آن زمان شهر قم بخود ندیده بود، باین شهر وارد شوند؛ حوزه علمیه یک پارچه از میهمان عالیقدر خود احترام می‌کند: آیه الله صدر محل نماز خود را در صحن حضرت معصومه سلام الله علیها بایشان واگذار می‌کنند؛ حضرت آیه الله حجت؛ محل تدریس خود را - که جای درس مرحوم آیه الله هائری یزدی بود - بایشان تفویض مینمایند - و آیه الله خونساری همه گونه ترویج و تجلیل از معظّم له بعمل می‌آورند.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم

حوزه فقه ایشان، صبحها، در حوزه اصول، عصرها تشکیل میشود، اساتید و فضلاء باشور و علاقه فراوانی، بمحضر درس ایشان حاضر می‌شوند.

درس فقه ایشان تا آخرین سال زندگی در میان همه گرفتاریها و در عین آنهمه ضعف و شکستگی ادامه پیدا میکند. روش متکامل فقهی و رجالی معظّم له حوزه قم رانحت تأثیر قرار میدهد؛ و دامنه این تأثیر و نفوذ تاکنون هم در محافل درسی دیده می‌شود.

در تعطیلات تابستانی سال ۱۳۶۴ معظّم له سفری بمشهد نموده و پس از دو ماه توقف در میان شور و استقبال مردم در تمام مسیر راه بقم مراجعت می‌کنند.

سال بعد مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، دار فانی را بدرود میگویند، و بالاخره پس از فوت آیه الله حاج آقا حسین قمی سال ۱۳۶۶

مرجعیت عامهٔ ایشان مسلم می‌شود .

از این ببعدها با ید حساسترین خدمات و آثار حضرت آیه الله بروجردی را در دوران ۱۶-ساله زعامت ، و مرجعیت مطلقهٔ ایشان مورد مطالعه قرار داد ، و ما اکنون در حدود حوصلهٔ این مقاله بچند جهت خاص اشاره می‌کنیم :

تعمول علمی

حضرت آیه الله بروجردی باهوش سرشار و حافظهٔ قوی و حوصلهٔ کافی ؛ حسن سلیقه و ابتکار خود ، گذشته از آن که در رشته های مختلف علوم اسلامی بصیرت کامل داشت ، در روش فقهی و استنباط احکام ، سبک متکاملی را بوجود آورد . بطوریکه میتوان روش ایشان را ، آخرین دورهٔ تکامل فقه ، تا کنون ؛ معرفی کرد .
در این روش ، مبانی فقهی و مدارک احکام بنحو خاصی مورد مطالعه قرار میگیرد :

روایاتی که ممکن است مورد استفادهٔ حکمی قرار گیرند ، دسته بندی شده و بهم ارجاع میشوند ، پس از بررسی کامل ، باتکاء طرز فکر رجالی خاصی ایشان ، ممکن است ثابت شود ، که تمام این روایات ، در اصل بیش از دوسه روایت نبوده است . و همان چند روایت مورد مطالعه قرار میگیرد .

از نظر سند - موضوع طبقات رجال ، که ابتکار ایشان است ، و در نتیجهٔ سالها تتبع و تحقیق در سلسلهٔ سندها بدست آمده است ، مطرح

میشود ، بملاحظه این طبقات ، روایات مرسل - ولودر ظاهر مسند باشند - بدست میآید . وروایان مشترك تمیز داده میشوند ، وضمناً با اطلاع کاملیکه بر احوال و شخصیت هزارها راوی وسی و شش طبقه آنها دارد . روایات صحیح و مورد استفاده را تشخیص میدهد . اکنون از نظر سند فارغیم ، نوبت بفهم مقصود روایت میرسد :

باید دید چه کسی سؤال کرده است ؟ وی در چه محیطی بوده؟ آیا در آن محیط چه فتوایی شایع بوده و تا چه حد سؤال راوی از آن فتوی و احیاناً سایر شرایط و عادات محیط متأثر است . علاوه از این در چه شرائطی جواب صادر شده است . خلاصه محیط راوی و محیط صدور روایت را در فهم روایت دخالت میدهد . پس از درک معنی روایت در چنین شرائطی ، باید با سایر روایات مورد استناد مقایسه شده و از مجموع آنها طبق مبانی خاص استفاده کرد ، تازه باید سیر تاریخی اصل فتوی و نوساناتیکه در او در مختلف داشته است ، ملاحظه شود .

استاد ، با فتاوی عامه بخوبی آشناست و بهتر از یک فقیه عامی نظرات آنها را میداند ، باید این فتاوی را در نظر گرفت و آنگاه بسراغ فتاوی قدهاء امامیه آمد ، شهرتیکه ممکن است روی آن حساب باز کنیم ، شهرت فتوایی بین قدهاء امامیه است ، این شهرت و فتاوی قدهاء ، بدقت باید مورد بررسی و استفاده قرار گیرد .

از نظر مبانی اصولی هم بقدری روشن و خالی از هر گونه حشو و زواید تنظیم شده است که باسانی میتوان مجاری و موارد قضیه را در یافت ؛ در مسئله ، احتمالات موهون و ورشکسته نباید مطرح شود ، دائره

احتمالات تنگتر و عمق و آزاد فکری بیشتر باشد. این گوشه‌ئی از بسیار است که باید در روش فقهی ایشان مورد مطالعه قرار داد. آیه الله بروجردی زحماتی را که در روایات و رجال آن کشیده و طرح ابتکاری که بوجود آورده اند، بصورت اصلاحات اساسی و وسیعی در وسائل تنظیم کرده و با همکاری جمعی از فضلاء درس ایشان، طبق دستور و تحت نظر معظم له تهیه شده و هم اینک تحت طبع است، این خود خدمت بزرگتی بر روایت و فقه شیعه است که بعنوان یکی از مهم‌ترین آثار ایشان در دل تاریخ پرافتخار شیعه ضبط می‌شود.

احیاء آثار گذشتگان

آیه الله بروجردی، اهتمام زیادی با حیاء متون فقهی قدما و کتب روایی بخرج داده و در طبع و نشر آنها همت می‌گماشت، و لذا دیدیم که دستور طبع چندین کتاب از جمله: خلاف - قرب الاسناد - جامع الرواة - جعفریات و غیره را، فرمود و بدنبال این، نهضت تجدید طبع و نشر آثار گذشتگان بوجود آمد، تا آنجا که دهها کتاب نفیس از متون اسلامی منتشر گردید. و این نشان یک روح بیدار و علاقمند بعلم و خدمات و آثار بزرگان است. این اقدام را میتوان بعنوان تجدید حیات علمی چندین قرن شیعه معرفی کرد.

نوسازی حوزه علمیه

حوزه علمیه قم، در بدو زعامت حضرت آیه الله، بیش از دوهزار

و بانصد محصل نداشت، ولی پشتکار و همت والای معظم له و کوششی که در راه بسط محیط علمی حوزه نمودند، تدبیر جات توجه فضلاء و محصلین را باین حوزه جلب کرد، و سال بسال بر تعداد محصلین حوزه میافزود، و بهمان نسبت که بر تعداد محصلین افزوده میشد، سطح فضائل و کمالات مختلف بالا میرفت. و نوابغ فکری و علمی، افکار خود را عرضه میگردند؛ محیط علاوه از فقه و اصول و تکاملی که در این طریق کرد، با تفسیر و فلسفه و اطلاعات عمومی مانوس شد، و رفته رفته صدها نفر فقیه، دانشمند، گوینده، نویسنده، مؤلف و مترجم... بوجود آمد. و تعداد محصلین متجاوز از شش هزار نفر شد. و بالاخره محیط، محیط جنب و جوش فکری و تحقیقات علمی از جهات مختلف مربوطه شد، و هنوز هم آن انتظار می رود که این شور و علاقه زیاده تر شود، و شرائط محیط موجود را بیشتر درک کنیم و بدانیم در چه دنیائی زندگی میکنیم، و با چگونه تجهیزاتی میتوان بخدمت دین خود توسعه داد. فهمیده و متهورانه از طرق مختلف در راه هدف مقدس خود قدم برداریم.

این نکته هم ناگفته نماند، که توسعه حوزه علمیه، از نظر اجتماع فضلاء و جوانان روشن و فهمیده بسیار خوب است، اما از جهت دیگری قابل مطالعه است. و آن اینکه تعداد معتنی بهی از اولین دوران تحصیل، خود را بقم میرسانند. و چنانکه میدانیم حوزه های بزرگ علمی از جهت مقدمات و دروس ابتدائی، رسمیتی ندارد، درس عمومی و رسمی نیست، رسیدگی کامل نمیشود، و بالخصوص با توجه باینکه اغلب تازه

واردین از محیط‌هایی می‌آیند که تربیتها و معلومات اولیه را هم نداشته - اند ، محیط هم تضمینی از نظر اینگونه افراد ندارد، درس تربیت و اخلاق مخصوصاً برای اینگونه افراد نیست ، چه حوزه علمیه قم حکم دانشگاه را دارد، و شما میدانید اگر کسانی که هنوز سواد خواندن و نوشتن ندارند، ناگهان بمحیط دانشگاه قدم بگذارند، نه تنها از دانشگاه استفاده نمیکنند، بلکه همان دروس دوره ابتدایی را هم نمیآموزند، چه محیط برای تعلیمات عالیتری است .

بنابراین چه خوب بود، در سراسر نقاط شیعه نشین ، کسانی را بعنوان محصل علوم دینی میبذیرفتند که ابتداء علاوه از سواد کامل خواندن و نوشتن و اطلاعات عمومی ، روحی دینی و علاقه بخدا، مابعد مذهب در آنها باشد. و بالاخره استعداد و پشتکار و گذشت و از همه مهمتر عقل ورزیده اجتماعی داشته باشند . بالااقل استعداد این امور در آنها باشد و محیط هم طوری باشد ، که این استعدادها را فعالیت بخشد .

گذشته از این ، خوب است شهرستانها اجازه ندهند که برای دوره های ابتدایی همه کس بقم عزیمت کند ، چه گفته شد که محیط آماده تربیت آنها نیست ، حوزه ، آماده تحقیقات وسیع و عالی و پروبال دادن بافکار ورزیده و کار کرده است .

بدتر از همه آنکه از نظر لباس هم کنترلی در کار نیست، و چه بسا کسیکه هنوز معلومات دینی و اخلاق عمومی اسلامی را هم ندارد ، لباس بلباس روحانیت شده و بالخصوص اگر قیافه مناسبی هم داشته باشد،

از نظر محیط خارج از حوزه ، بعنوان يك محصل حوزه قم تلقی میشود ، و شما خود میدانید ، کسیکه از سواد و ادب دینی بی بهره باشد و بخواهد خود را رهبر روحانی بداند ، چه بلایی بسرا سلام میآورد ، و اصلاً آزادی کامل لباس روحانیت ، ابتلای عظیمی است . چه همه می بینیم که حتی بعضی رجاله ها از این لباس و احیاناً منبر ، سوء استفاده میکنند ، و این چه صدمه بزرگی بجامعه روحانیت میزند ، و تا چه اندازه بساحت مقدس علم و فضیلت جسارت میشود ، خدا میداند ، یککاش این دردهم بوسیله خود روحانیت دوا میشود .

توجه بسایر حوزه ها

حضرت آیه الله فقید ، گذشته از بذل توجهی که بحوزه قم داشتند ، از سایر حوزه های علمی هم ترویج کرده و تا سر حد امکان برای ابقاء و ترقی آنها می کوشیدند ، مخصوصاً حوزه علمیة نجف که با سابقه ترین حوزه های علمیة شیعه است ، و همیشه در خود استوانه های علم و فضیلت پرورش داده است . و حتی خود آیه الله فقید ، بهترین و پر شورترین ایام تحصیل خود را در این حوزه مقدسه گذرانده اند ، این حوزه بشدت مورد توجه معظم له بوده ، و حتی در ایام اقامت بقم گاه و بیگاه اظهار علاقه میفرمودند که بآن حوزه بزرگ رو آورند .

حضرت آیه الله بیدریغ برای حفظ و ترویج از آن حوزه می کوشیدند ، و حتی بهترین مدرسه آبرومند خود را ، که از مهمترین مدارس حوزه های علمیة محسوب می شود ، در حوزه نجف تأسیس فرمودند ، مبالغه زیادی از

و جوهری که بدست معظم له میرسید ، در حوزه نجف مصرف میشد .
و همچنین حوزه های مشهد و اصفهان و تهران و غیره مورد نظر
ایشان بود ، و گذشته از این ، در نقاطی که احتیاج مبرم به وجود حوزه
روحانی داشت ، بتأسیس حوزه همت گذاشته ، مسجد و مدرسه آبرومند
کرمانشاه از یادگارهای بارزش ایشان است و اساتید و طلابی را که اعزام
فرموده اند ، هنوز هم مشغول ادامه تدریس و تحصیلات خود میباشند .

نظم نمایندگان

از مزایای آیه الله فقید این بود که هیچ اجازه رسمی بکسی نمیداد ؛
جز اینکه بخوبی از خصوصیات روحی و اخلاقی و علمی طرف اطلاع پیدا میکرد
و کلیه اجازات در دفتر معینی ثبت میشد ، و در هر حوزه تبلیغی بیش از
حد احتیاج نماینده انتخاب نمیکرد و در هر شاخص اجازه نمی داد .
و بدین ترتیب بخوبی مستحضر بود که در هر نقطه ای چه کسانی
از طرف ایشان اجازه داشته و بعنوان نماینده انتخاب شده اند ، و شما
خود می دانید ، که تا چه حد مراعات این مسئله مهم است که حوزه
مرکزی روحانی از کلیه شعب و نمایندگان و طرز کار آنها مطلع
باشد ، و در صدور اجازات مراعات همه حدود و جوانب قضیه را بنماید .

قبایلیات در خارج

همیشه این انتقار از جامع مؤرخانیت بوده است ، که مردمی آشنا
بشرایط روز و بصیر در علوم اسلامی و علاقمند جدی بترویج و اشاعه احکام

اسلامی ، انتخاب کرده ، و برای تبلیغ بکشورهای خارجی اعزام نمایند. و مخصوصاً بادر نظر گرفتن اینکه رفته رفته آزاری وروو شنفکری وروح تحقیق و حقیقت یابی مردم امروز دنیا زیادتیر می شود ، و این خودزمینه را برای توجه واستقبال از اسلام زیادتیر مینماید ، البته بشرط آن که در مقابل آمادگی و تقاضا ، عرضة صحیح در کار باشد .

متأسفانه این عمل مورد غفلت بود ، هنوز هم تاحدی چنین است ، این فقط حضرت آیه الله بروجردی بود که این طلسم را شکست و این باب را مفتوح ساخت ، و نمایندگانی بکشورهای آلمان و آمریکا فرستاد ، و راستی می توان این اقدام تهور آمیز را - که هنوز در مراحل ابتدائی است - از بزرگترین خدمات این روحانی عالیقدر قلمداد کرد .

وظیفه جامعه روحانیت است ، که علاوه از آن که نمایندگان موجود را حفظ و تأیید می کنند ، برای عموم کشورهای خارجی - که معمولاً صاحبان ادیان وحتی مسلکهای خرافی ، پای باز کرده و مشغول تبلیغاتند - فکری کرده و باروشن بینی کامل در انتخاب افراد ، نمایندگانی اعزام دارند ، و البته این اقدامات مقدماتی از نظر د اثر کردن برنامه تربیت مبلغ برای خارج در حوزه ، و غیره هم احتیاج دارد ، که باید مورد مطالعه قرار گیرد .

تقریب شیعه و سنی

قرنها بود که فرق مختلف اسلامی ، همچون دشمنان خو نخواستار یکدیگر نگاه کرده ، و از هر گونه تهمت و ناسزا که بایجاد تفرقه و

نفاق عمیق ، بین برادران مسلمان منتهی گردد ، دریغ نداشتند ، دیدیم و خواندیم که این ماجرا چه بلای بی‌سرمسلمین آورد ، و چگونه بیگانگان از این تفرقه سوء استفاده کردند .

تا بالاخره در این اواخر ، مردان روشنی از فرق مختلف شیعه و سنی ، از ممالک اسلامی اقدام کردند ، و دارالتقرب را بوجود آوردند ، و برای رفع سوء تفاهم و ایجاد دوستی بین برادران مسلمان کوشیدند .

و این آیه الله فقید بود ، که با علاقه هر چه تمام تر ، مکاتبات زیادی ، با سران تقرب و علماء بزرگ سنی مذهب مینمود ، و با شدت پشت کار و علاقه ای که نشان داد ، بالاخره دارالتقرب بآن اندازه پیش رفت که با اقدام متهورانه و تاریخی علامه بزرگوار ، مفتی اعظم ، شیخ شلتوت منتهی گردید . طبق فتوای ایشان مذهب شیعه رسمیت یافت و کرسی فقه مقارن در دانشگاه ازهر با مرایشان تأسیس شد و برخی از فتاوی شیعه مورد عمل و فتوای بزرگان مذهب سنت قرار گرفت .

حضرت آیه الله در کسالت شدیدی که منجر بر حلت ایشان شد ، مطلبی را فرمودند که همه نقل کردند ، ایشان پس از آنکه کمی حال پیدا کردند و توانستند صحبت کنند ، سؤال فرمودند : آیا آقای قمی بمصر برگشتند ؟ جواب دادند : خیر - فرمودند : بگوئید بروند ، وجود ایشان در آنجا لازم است . گفته بودند : روابط بین دو کشور تیره است و مسافرت مشکل - ایشان فرموده بودند ، اگر بهبودی یافتم ، سعی می کنم بین دو کشور اسلامی روابط حسنه ایجاد شود .

چنانچه ملاحظه می فرمائید در آخرین لحظات از نماینده محترم خود

دردارالتقربیب سخن میگویند و بداستان تقربیب و حسن تفاهم تا این اندازه اهتمام میورزند .

یکی از بزرگان نقل میگرد: پس از آنکه از سفر مصر مراجعت کرده و زیارت حضرت آیه الله موفق شدم ؛ مرانبیشرفت حسن تفاهم و دوستی شیعه و سنی را گزارش داده و پیام علامه شلتوت را بایشان ، رساندم - ایشان ضمن اظهار علاقه شدید یکه باین ماجرا میگردند ، فرمودند : « امید - واریم این تقربیب بتوحید مبدل گردد » و در هر حال سعی و اهتمام ایشان در این پیشروی و موفقیت تأثیر بسزائی داشت .

چه خوب است ، که به پیروی از منویات معظم له این ماجرا ابشددت تأیید و تعقیب شد . و نفاقها و کینه ها بکلی از بین برادران مسلمان رخت بر بندد .

گذشته از این ، نمایندگان روشن و مطلعی بممالک مختلف اسلامی اعزام شوند ، تا بر اساس تقربیب و حسن تفاهم ، بمعرفی شیعه و رفع تمنها اقدام نمایند .

تبلیغات داخلی

اهتمامی که این بزرگ بترویج و اشاعه احکام اسلامی داشت ، درخور همه گونه تجلیل و احترام است .
نمایندگانی که معظم له برای اداره امور مذهبی و تبلیغات دینی نقاط مختلف کشور فرستادند ، بعدی بود که میتوان گفت : در سراسر

مملکت، نمایندگان لایق و شایسته حضرت آیه الله مشغول انجام وظیفه بودند.

این نمایندگان ضمن اینکه بطور مرتب با ایشان مکاتبه و ارتباط داشتند، در حوادث مهم نیز از معظم اه‌الهام می‌گرفتند. گذشته از این، مبلغین و وعاظی که برای ایام رمضان و محرم و صفر اعزام میشدند، و حمایت و ترویجی که از آنها بعمل می‌آمد، و دستورات خصوصی و عمومی که قبل از اعزام آنها؛ بآنان میداد، خود بهترین گواه شدت علاقه ایشان بتبلیغ و بیان حقایق بود.

وقتی، با ایشان در خصوص تربیت مبلغ و سخنران براساس برنامه صحیح، صحبت شده بود، ایشان ضمن اظهار علاقه با زوم خطیب و سخنگوی شایسته و مطلع مذهبی، یادی از بر وجود فرموده و از منابریکه در ایام رمضان می‌رفتند، بعنوان يك سند افتخار، یاد کرده بودند.

ولذا میتوان گفت: حوزه علمیه قم در زمان زعامت آیه الله فقید، از نظر تربیت مبلغ، قدهای رسائی برداشته، و اکنون صدها گوینده و رزیده و مطلع در خود جای داده است. و این خود مایه بسی افتخار است که جوانانی تحصیل کرده، ضمن آنکه بدرس و بحث خود بخوبی می‌رسند، سالی دوسه ماه بمبصر و بیان حقائق دینی می‌پردازند.

مدرسه و مدرسه

ساختمانهای متعدد مذهبی که پیشوای عالیقدر روحانی ما تأسیس فرمودند، مدرسه، مسجد، بیمارستان، کتابخانه، و احیاناً نادیرستان

بود و این خود شاهد آن است که معظم له در عین آن که بتربیت معنوی و روحانی مردم علاقه مند بود، برای بهبودی مرضی و توسعه فرهنگ صحیح و ترویج از کتاب مطالعه همت میگماشت .

مدرسه های قم - نجف - کرمانشاه و غیره از یکطرف، و مساجد کوچک و بزرگیکه در نقاط مختلف، حتی در واشنگتن و هامبورگ بنیان نهادند، از طرف دیگر، شاهد مدعی است .

همه میدانیم که عظیمترین اثر ایشان - از این نوع - مسجد اعظم قم است . چگونه در حساسترین نقطه شهر، آنهم شهریکه مرکزیت عالی علمی و روحانی دارد، در جوار قبر حضرت معصومه سلام الله علیها بنیانی وسیع و شاهکاری زیبا و پرارزش، بعنوان یک معبد بزرگ بنا نهادند..

این ساختمان مخصوصاً از آن نظر مهم است که نشان همت بلند حضرت آیه الله میباشد، تا چه حد باید یک روح وسیع باشد، که بدون داشتن بودجه معین و ضمانت قطعی، دست با اقدام ساختمانی بشود، که میلیونها تومان خرج دارد، و همه دیدیم که اقدام فرمودند. دیگران هم همکاری و کمک کردند و این بنیان عظیم اسلامی بوجود آمد .

کتابخانه

احتیاج عموم شهرستان ها و بالخصوص مراکز حوزه های علمی . بکتابخانه های معظم درخور بحث و وسیع و مستغنی است .

بدر نظر گرفتن بسط و توسعه کتابخانه های عمومی ممالک دنیا که گاهی بیش از دهها میلیون کتاب را در خود حفظ میکنند و هزارها نفر مراجعه کننده در هر شبانه روز می پذیرد، مادر خود احساس شرم میکنیم که

بینیم عظیمترین کتابخانه مملکت مان بزحمت شصت هفتاد هزار کتاب را جمع آوری کرده است.

آنهم مامسلمین ، که روزی رهبر عامی دنیا بودیم و تنها کتا بخانه های مهم در سر زمینهای ما وجود داشت ، و در تواریخمان گاهی سخن از کتابخانه هایی برده میشود که مشتمل بر یک میلیون و یا چهار صد هزار کتاب بوده است ، آنهم در زمانی که اصلا کتاب در دنیا کم بوده و چاپ هم وجود نداشته است ، بنابراین ملاحظه میکنید تا چه حد سیر قرائتی کرده و از قافله عقب مانده ایم .

در هر حال آیه الله فقید که خود نواقص اوضاع را بخوبی درک میفرمود برای مسجد اعظم کتابخانه ای تأسیس نمودند ، این کتابخانه با ساختمان زیبا و سالن وسیعش با آن که تازه افتتاح شده است ، میتوان آن را بعنوان يك کتابخانه آبرومند و بالارزش معرفی کرد .

این مرکز مطالعه و کتاب هم ، برای همیشه بعنوان میراث حضرت آیه الله برای کتابدوستان باقی ماند ، تا چه حد همت و همکاری مردم به توسعه و تکمیل کتابهای آن کمک نماید .



ما در اینجا دامنه سخن را کوتاه میکنیم و با اعتراف باینکه نتوانستیم حتی اندکی از بسیار خدمات و فضائل ایشان را بشماریم ، بی بحث در اطراف حوزه علمیه قم تحت عنوان مستقل میپردازیم .